

عوامل مؤثر بر شتاب‌دادن آمریکا به حضور در آسیای مرکزی

آمریکا به منابع معدنی نادر در آسیای مرکزی علاقه‌مند است، زیرا ذخایر اوکراین برای تأمین نیازهایش کفایت نمی‌کند. این نکته در نشریه «National Interest» با اتکا به یک مقاله تحلیلی درباره منابع استراتژیک مطرح شده است. بر اساس این نشریه، آمریکا در حال بررسی گزینه‌های مختلف برای به‌دست آوردن عناصر معدنی نادر است که برای صنایع و بخش‌های فناوری بالا حیاتی محسوب می‌شوند. مقاله می‌گوید: «توافق درباره منابع معدنی نادر در اوکراین صرفاً گام اول است؛ زیرا این کشور تنها 5٪ از ذخایر عناصر معدنی نادر جهان و ۲۲ مورد از ۵۰ ماده مهم برای آمریکا را در اختیار دارد. آمریکا باید گزینه‌های تولید اضافی را بررسی کند و آسیای مرکزی می‌تواند یکی از این گزینه‌ها باشد».

بر اساس این گزارش، چین همچنان انحصار جهانی این فلزات را در اختیار دارد، اما آمریکا به دنبال منابع جایگزین است و آسیای مرکزی را منطقه‌ای با چشم‌اندازهای گسترده می‌داند. طبق گزارش‌ها، بخش زیادی از ذخایر عناصر معدنی نادر جهان در آنجا متمرکز است. از آنجاکه آمریکا امید دارد دسترسی خود به این عناصر را افزایش دهد، برقراری روابط نزدیک‌تر با کشورهای آسیای مرکزی اهمیت زیادی دارد. مقاله می‌افزاید: «کشورهای آسیای مرکزی در حوزه منافع مشترک روسیه و چین قرار دارند که ممکن است برنامه‌های واشنگتن برای دستیابی به منابع استراتژیک در آن منطقه را پیچیده کند» بنا بر نظر نشریه «National Interest»، واشنگتن باید با مسکو و پکن بر سر سهم خود در استخراج و تأمین عناصر زمین‌های نادر از آن منطقه رقابت کند.

منطقه آسیای مرکزی به دلیل موقعیت جغرافیایی‌اش از اهمیت راهبردی برخوردار است. این منطقه ذخایر عظیمی از منابع طبیعی دارد، به‌ویژه اینکه قزاقستان، ازبکستان و ترکمنستان دارای منابع قابل‌توجه نفت، گاز و زغال‌سنگ هستند. علاوه بر این، آسیای مرکزی ذخایری از عناصر خاک‌های کمیاب و سایر فلزات راهبردی را در خود جای داده که سرمایه‌داران را به خود جذب می‌کند. بر اساس گزارش‌هایی که مرکز سیاست‌های دریای خزر و مرکز بین‌المللی مالیات و سرمایه‌گذاری منتشر کرده‌اند، بخش عمده‌ای از ذخایر فلزات خاک‌های کمیاب جهان در این منطقه متمرکز است.

به‌همین دلیل، اتحادیه اروپا موضع فعالی در روابطش با کشورهای آسیای مرکزی اتخاذ کرده است. در چهارم فروردین ۱۴۰۴ (۴ آوریل ۲۰۲۵) در شهر سمرقند در ازبکستان، نخستین اجلاس بین رهبران پنج کشور آسیای مرکزی (قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان) و اتحادیه اروپا برگزار شد. این اجلاس سطح همکاری بین اتحادیه اروپا و آسیای مرکزی را به «همکاری راهبردی» ارتقا داد و حوزه‌های مهم همکاری را تعیین کرد. اتحادیه اروپا بسته سرمایه‌گذاری دوازده میلیارد یورویی را برای بهبود روابط آسیای مرکزی و اروپا و توسعه منابع معدنی اصلی ارائه کرد. این اقدام جدی اتحادیه اروپا در منطقه، نه تنها روسیه و چین را شگفت‌زده کرد بلکه آمریکا را نیز غافلگیر ساخت. در پی این رویداد، سفیر آمریکا در ازبکستان، جان‌اتان هینیک، فوراً به ازبکی‌هایی که به‌طور غیرقانونی در آمریکا زندگی می‌کنند پیغام داد: «همان‌طور که در سال‌های اخیر مشاهده شده، بسیاری از ازبکی‌ها از مسیر آمریکا مرکزی وارد ایالات متحده شده‌اند. در نتیجه، برآوردها نشان می‌دهد که هزاران ازبکی به‌طور غیرقانونی در آمریکا اقامت دارند» او تأکید کرد: «صادقانه به این افراد توصیه می‌کنم که داوطلبانه به ازبکستان بازگردند؛ در غیر این صورت ممکن است در آمریکا بازداشت یا اخراج شوند». پس از آن، آمریکا با هیئت رسمی ازبکی که به دلیل مسئله مهاجران غیرقانونی به این کشور سفر کرده بود، دو دستاورد مهم به‌دست آورد. نخست از جنبه امنیتی، عضویت کامل ازبکستان در ائتلاف بین‌المللی علیه گروه «داعش» بود. دوم از جنبه اقتصادی، امضای چندین توافق در حوزه فلزات، به‌ویژه سرمایه‌گذاری در اکتشاف ذخایر و استخراج آن‌ها بود. این توافقات به شرکت‌های آمریکایی آزادی دسترسی به مواد راهبردی را می‌دهد. به‌وضوح می‌توان دریافت که تمرکز اصلی روابط آمریکا با ازبکستان بر به‌دست آوردن عناصر خاک‌های کمیاب است؛ زیرا امروز چین انحصار این فلزات را در اختیار دارد و شرکت‌های چینی حدود دوسوم استخراج جهانی آن‌ها را انجام می‌دهند. سهم آمریکا از تولید جهانی این مواد تنها 12٪ است، رقمی که بسیار عقب است. آمریکا برای موفقیت در جنگ تجاری با چین باید این شکاف را کاهش دهد. از همین رو برای آمریکا بسیار مهم است که روابط نزدیک‌تری با کشورهای آسیای مرکزی برقرار کند، چراکه امید دارد دسترسی خود به عناصر خاک‌های کمیاب را افزایش دهد.

پس روسیه و چین نیز دارای منافع و نفوذ خاص خود در آسیای مرکزی هستند. از این رو انتظار می‌رود رقابت بر سر معادن در این منطقه به یک معمای ژئوسیاسی پیچیده تبدیل شود. به اختصار، آسیای مرکزی به دلیل فراوانی منابع طبیعی و اهمیت راهبردی‌اش در قلب قاره اوراسیا، برای قدرت‌های استعمارگر اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. آمریکا می‌خواهد جای پای خود را در آسیای مرکزی محکم کند، در حالی که جنگ تجاری‌اش با چین تشدید شده و پس از جدا شدن روابطش از روسیه در پی توافق احتمالی درباره اوکراین قرار دارد؛ اما رژیم ازبکی که هم‌زمان با هر دو پایش در دو قایق ایستاده است، در مواجهه با امواج سهمگین دو راه پیش رو دارد: یا اینکه هر دو پا را در یک قایق قرار دهد یا به اصل اسلام گرایش یابد. اگر گزینه نخست را برگزید، شاید تا مدتی از غرق نجات یابد، اما از آنجاکه قایقی که هر دو پایش بر آن قرار دارد به‌زودی غرق خواهد شد، در هر حال با همان قایق غرق خواهد شد؛ اما اگر گزینه دوم را انتخاب کند؛ یعنی به‌سوی اسلام کامل گرایش یابد، این راه نجات واقعی‌اش در دنیا و آخرت خواهد بود. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» «و این راه من راهی راست است؛ پس از آن پیروی کنید و از راه‌های دیگر پیروی نکنید که شما را از راه او پراکنده می‌سازد. این همان چیزی است که الله سبحانه و تعالی شما را به آن سفارش کرده تا شاید پرهیزگار شوید».

برگرفته از شماره ۵۵۰ جریده الرايه